

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان  
دانشکده علوم انسانی

گروه الهیات (ادیان و عرفان)

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (ادیان و عرفان)

**عنوان:**

**بررسی تطبیقی خدای متشخص در قرآن با عهدین**

استاد راهنما:

دکتر عظیم حمزئیان

استاد مشاور:

دکتر علی سنایی

پژوهشگر:

زینب عرب

اسفند ۱۳۹۲

**کلیه حقوق مترتب بر نتایج مطالعات این پایان نامه متعلق به دانشگاه سمنان است و بدون اجازه کتبی دانشگاه سمنان به شخص ثالث قابل واگذاری نیست ، همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد .**

## اظهار نامه دانشجو

اینجانب زینب عرب‌دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته : الهیات گرایش ادیان و عرفان دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تایید می‌باشد و لذا موارد استفاده از کار دیگران محققان به مرجع مورد استفاده شده اشاره شده است . بعلاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری در هیچ جا ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب (فرمت) مصوب دانشگاه را بطور کامل رعایت کرده ام .

امضاء دانشجو :

تاریخ :

تقدیم :

گر چه آنچه را که تقدیم میدارم تحفه درویشی بیش نیست اما این کمترین را  
پیشکش میکنم به ساحت سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدا... الحسین(ع)

و تقدیم به دایی عزیزتر از جانم سردار شهید حاج سید حسین میری

و به ویژه تقدیم به مادر مهربانم که اگر زنده ام بخاطر وجود آن گوهر بی همتاست

و نیز پیشکش میکنم به سرکار خانم زهرا سادات میری که هرگز لطف مادرانه شان را از من  
دریغ نداشتند.

## با سپاسگزاری فراوان از:

تمامی عزیزانی که مرا در انجام این رساله یاری رساندند

بویژه استاد گرامی و راهنمای محترم جناب آقای دکتر عظیم حمزئیان و مشاور گرامی جناب آقای دکتر علی سنایی.

## چکیده:

هر یک از ادیان آسمانی که خود را یکتاپرست می دانند ، برای شخص خدای متعال اسماء و صفات، ویژگی ها و مشخصه هایی را لحاظ می کنند و چون خدای خود را خدای عالمیان می دانند برای معرفی و شناساندن او به دیگران تلاش های بی وقفه ای می نمایند به استثناء یهودیان که خدای خود را خدای قومی و نژادی دانسته و خود را نیز قوم برگزیده خدا معرفی می کنند. خدا در هر سه دین دارای اسماء و صفاتی است اما در هر یک از این سه دین محوریت بر روی یک یا چند صفت مشخص است هر چند این مطلب درباره خدا در اسلام دیده نمی شود مثلا در یهودیت بیشتر بر قهر و قدرت و جلال و شکوه و سلطنت الهی تاکید می شود، در حالی که در مسیحیت محور اصلی همه اسماء و صفات خدا، پدر و عشق است. در هر حال، همه اسماء و صفات الهی اعم از صفات جمال و جلال و... در هر یک از این ادیان و حیانی ابزار مناسبی برای شناخت خداوند در آن دین محسوب می شود.

ذات باری تعالی در قرآن خود را معرفی کرده است و صفاتی را نیز به خود نسبت داده و چگونگی ارتباط با خویش را بیان داشته است. اکثر مواردی که خداوند درباره خود سخن گفته دال بر تشخیص خداوند است. همان طور که در یهودیت نیز شاهد چنین مطلبی هستیم، مثل آنجایی که خداوند هنگام معرفی خود به موسی (ع) خود را خدای پدران قوم اسرائیل معرفی کرد .تشخص الهی در اسلام، با یهویت و مسیحیت اندک تفاوت هایی دارد چرا که در یهودیت به عبارتی با انسانی خدایی روبه رو هستیم خداوندی که افعال و رفتار او همگی حاکی از تشخیص او و شباهت بسیار نزدیکش به انسانها می باشد. در مسیحیت نیز باهمین خدا روبه رو هستیم ولی خدایی که یک درجه انسانی تر و زمینی تر شده خدایی که دیگر در طبقات بالای آسمان کاخ ندارد، بلکه بر روی زمین و در کنار بندگانش زندگی می کند ، پدری مهربان و فداکار که خود را فدای بندگانش می سازد، اما در اسلام تشخیص خدا تا به این حد نیست و تشخیص خداوند بیشتر در مواردی دیده می شود که خداوند از خودش سخن گفته و درباره خودش توصیفات را بیان کرده است. هر چند بر طبق مطالب موجود در قرآن و سایر منابع دینی اسلامی و آموزه های دینی موجود، می توان از میزان توجه و علاقه خدا به مخلوقاتش تشخیص خداوند را نتیجه گرفت.

واژگان کلیدی: قرآن، عهدین، اسلام، مسیحیت، یهودیت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....

### فصل اول: کلیات

۱۳.....	مقدمه.....
۱۸.....	۱-۲- بیان مسئله.....
۲۰.....	۱-۳- هدف پژوهش.....
۲۱.....	۱-۴- پرسش های پژوهش.....
۲۱.....	۱-۵- فرضیه های پژوهش.....
۲۲.....	۱-۶- روش پژوهش.....
۲۳.....	۱-۷- چگونگی انجام پژوهش.....
۲۳.....	۱-۸- ابزار پژوهش.....
۲۳.....	۱-۹- محدودیتهای انجام پژوهش.....

### فصل دوم: مفهوم شناسی

۲۵.....	۲-۱- مقدمه.....
۲۶.....	۲-۲- تفاوت الهیات طبیعی با الهیات وحیانی.....
۳۵.....	۲-۳- تشبیه و تنزیه الهی.....
۳۷.....	۲-۴- چپستی قرآن و عهدین.....



- ۳۸.....۲-۴-۱- کتاب مقدس
- ۴۴.....۲-۴-۲- قرآن
- ۴۵.....۲-۵- خدای متشخص در ادیان آسمانی
- ۵۰.....۲-۵-۱- مسیحیت
- ۵۱.....۲-۵-۲- یهودیت
- ۵۲.....۲-۵-۳- اسلام

### فصل سوم: خدای متشخص در قرآن

- ۵۸.....۳-۱- مقدمه
- ۵۹.....۳-۲- اثبات خدا در اسلام
- ۶۶.....۳-۳- اقسام صفات الهی در اسلام
- ۶۹.....۳-۴- خدا در قرآن
- ۷۰.....۳-۴-۱- توصیف خدا از خودش در قرآن
- ۷۵.....۳-۴-۲- آیات تشخص خدا در قرآن
- ۸۲.....۳-۵-۱- وحی
- ۸۵.....۳-۵-۲- دعا
- ۹۱.....۳-۵-۳- معجزه

### فصل چهارم: خدای متشخص در عهدین

- ۹۷.....۴-۱- یهود

- ۹۸ .....آموزه های دینی یهود.....۴-۱-۱-۱
- ۱۰۰ .....توصیف خدا از خودش در عهد عتیق.....۴-۱-۲-۱
- ۱۰۰ .....خدا متشخص در کتاب مقدس.....۴-۱-۲-۱-۱
- ۱۰۲ .....تشخص خداوند در عهدین.....۴-۱-۲-۲-۱
- ۱۰۴ .....شخص خدا در یهود.....۴-۱-۳-۱
- ۱۰۸ .....خدای انسان وار در مذهب یهود.....۴-۱-۴-۱
- ۱۱۲ .....توقیفیت تاریخی اسماء الهی.....۴-۱-۵-۱-۱
- ۱۱۲ .....اسماء خدا در یهود.....۴-۱-۵-۱-۲-۱
- ۱۱۳ .....اسماء جایگزین خدا در یهود.....۴-۱-۵-۱-۳-۱
- ۱۱۴ .....صفات خدا.....۴-۱-۵-۲-۱
- ۱۱۴ .....رویت.....۴-۱-۵-۲-۲-۱
- ۱۱۵ .....قدرت و قدوسیت.....۴-۱-۵-۲-۳-۱
- ۱۱۶ .....وحدانیت.....۴-۱-۵-۲-۴-۱
- ۱۱۶ .....برخی دیگر از صفات خداوند.....۴-۱-۵-۲-۵-۱
- ۱۱۸ .....وحی الهی.....۴-۱-۶-۱-۱
- ۱۲۴ .....دعا.....۴-۱-۷-۱-۱
- ۱۲۶ .....معجزه در عهدین.....۴-۱-۸-۱-۱
- ۱۳۰ .....خدا در مسیحیت.....۴-۲-۱-۱

- ۱۳۴.....۲-۱-۲-۴- مفهوم یهودی- مسیحی خدا.....
- ۱۳۵.....۳-۱-۲-۴- خدای شخصی در مسیحیت.....
- ۱۳۷.....۴-۱-۲-۴- تشخیص خدا در مسیحیت.....
- ۱۴۰.....۱-۴-۱-۲-۴- خدای پدر در مسیحیت.....
- ۱۴۰.....۲-۴-۱-۲-۴- خدای پسر در مسیحیت.....
- ۱۴۱.....۲-۲-۴- گفتگو با خدا/ درخواست.....
- ۱۴۳.....۱-۲-۲-۴- گفتگوی خدا با بنده.....
- ۱۷۹.....۳-۲-۴- صفات الهی در مسیحیت.....
- ۱۴۵.....۴-۳-۲-۴- برخی از صفات الهی در مسیحیت.....
- ۱۴۶.....۱-۴-۳-۲-۴- خشم خداوند.....
- ۱۴۷.....۲-۴-۳-۲-۴- پادشاهی خداوند.....
- ۱۴۷.....۳-۴-۳-۲-۴- خدای داور.....
- ۱۴۹.....۴-۴-۳-۲-۴- عشق و نیکی.....
- ۱۵۱.....۴-۲-۴- وحی.....
- ۱۵۴.....۲-۴-۲-۴- مکاشفه خداوند در تاریخ.....
- ۱۵۴.....۴-۴-۲-۴- مکاشفه مخصوص خداوند.....
- ۱۵۶.....۵-۴-۲-۴- مکاشفه خدا برای نجات.....
- ۱۵۸.....۵-۲-۴- دعا.....

۱۶۳.....۴-۲-۶-معجزات الهی

۱۶۴.....۴-۲-۶-۱-معجزه در عهد جدید

فصل پنجم: نتیجه گیری

۲۱۲.....۵-۱-نتیجه گیری

## مقدمه:

بشر از همان آغاز به صورتی کاملاً غریزی به سوی جاذبه ای قوی کشیده شده است و نا خودآگاه برای رسیدن به آن منبع فیاض تلاش های زیادی به عمل آورده است. گر چه درصد فراوانی از این تلاش ها و کنکاش های به عمل آمده برای رسیدن به آن نیروی بی کران فطری بوده و از جانب همان نیروی مجهول برای بشر، در نهاد او قرار داده شده است، اما مواردی هم دیده می شود که انسان آگاهانه و با سعی و تلاش بی وقفه گام هایی در جهت یافتن راهی برای آرام کردن نهاد ناآرام خود برداشته است. هر یک از اقوام و ملل بر این تلاطم و نیاز درونی و بر آن جاذبه قوی نامی نهاده اند. با گذشت زمان های متمادی و رشد و تعالی فرهنگ انسانی و تکامل بشر و رسیدن او به شکل فرهیخته امروزی، بشر به شکلی منطقی تر و عالمانه تر در پی یافتن علت بی منتهای هستی و منشا خلقت جهان برآمد و بر آن نیروی بی کران و عظیم نام «خدا» را نهاد و از آن زمان به بعد بحث های فراوانی حول وجود خداوند، کیفیت وجودی آن ذات بی همتا، نام های الهی و ... شکل گرفت.

تمامی ادیانی که به وجود خداوند قائل هستند و خود را موحد و یکتاپرست می دانند به گونه ای در پی اثبات وجود خدای یگانه می باشند. در این میان در ادیان و حیانی که شامل اسلام، یهود و مسیح می شود چگونگی راه یافتن خدا به زندگی بشر، شخصیت الهی و حتی چگونه مطرح شدن نام خدا برای نخستین بار نیز مورد توجه بوده است. ادیان آسمانی هر یک به نحوی دست به معرفی خدا و توصیف خداوند زده اند و خداوند را از منظر آموزه های دینی خود به شکلی جداگانه و متفاوت مجسم نموده اند. تعالیم این سه دین بزرگ آسمانی درباره خداوند دارای تفاوت های چشمگیری می باشد گر چه در برخی از موارد دارای شباهت هایی نیز بوده اند. خداوند متعال در هر یک از سه دین یاد شده دارای اسامی و صفات متعددی می باشد که گاه تعداد آنها از صد اسم نیز فراتر می رود. این اسامی و نامها که مشخصه های بارزی درباره ذات الهی ارائه می کنند ابزاری هستند که بندگان به کمک آنها خداوند را می خوانند. صفات الهی در ادیان نیز از مواردی به شمار می رود که از چگونگی شخصیت پروردگار پرده بر می دارد. گاهی همین صفات به تنهایی بیانگر تفکر مسیحیان یا یهودیان و مسلمانان درباره خداوند می باشند مثلاً با شنیدن نام «پدر» چه تصویری در ذهن ما شکل می گیرد؟ مسلماً در کنار این نام ویژگی ها و خصایصی قرار می گیرد که ذهن را ما را به سمت خانواده ای می برد

که سرپرست و حامی این خانواده این شخص، یعنی "پدر" خانواده است. در دین مبین اسلام و همچنین در دین یهود نیز شاهد موارد زیادی از اینگونه صفات هستیم که در بخش های بعد مفصلا درباره آن سخن می‌گوییم. از دیگر سو، خداوند نیز با معرفی و توصیف خود برای بندگانش، از ذات خود پرده برداشته است. در همه موارد و با توجه به همه آنچه که در ادیان فوق درباره خدا آمده است وجود خدای متشخص اثبات می‌شود. چرا که پر واضح است زمانی انسانها بر شخصی نامی می‌نهند و یا او را به صفتی متصف می‌گردانند و یا وقتی با کسی سخن می‌گویند که بدانند شخص مقابل در برابر آنها عکس‌العملی نشان می‌دهد، چرا که یقینا ما برای یک تخته سنگ تشخیصی قائل نمی‌شویم و منطقا هم انجام این کار عبث و باطل خواهد بود، زیرا نه سنگ می‌شود و نه می‌بیند و نه سخنی می‌گوید.

برای روشن شدن نگاه ادیان توحیدی در این باره و بیان نقاط اشتراک و افتراق آنها بر اساس کتابهای مقدس موجود (قرآن، تورات و انجیل) به نگارش رساله پیش رو همت گماردیم. نتایج حاصله از انجام چنین پژوهش‌هایی منجر به بینش عمیق‌تر و نگاهی ژرف‌تر و آگاهی بیشتر نسبت به ذات متعال خواهد شد، بدین جهت از میان تمامی مباحث مطرح شده در فلسفه دین و الهیات ادیان بحث درباره خدای متشخص در ادیان توحیدی مورد توجه قرار گرفت که قطعا رسیدن به نتایج پر بار تر نیازمند انجام تحقیقات و پژوهش‌های مستمر می‌باشد. تمامی مباحث ذکر شده در این پایان نامه بر اساس آیات و روایات، آموزه‌های دینی ادیان فوق‌الذکر و همچنین کتاب‌های آسمانی آن ادیان صورت گرفته است تا بدین وسیله مقصود مورد نظر حاصل شود. لذا رساله حاضر در چند فصل تدوین گشته است.

در فصل اول این پایان نامه، طرح کلی بحث و مهم‌ترین مباحث مطرح شده در پایان نامه بیان گردیده است. سپس در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش مورد نظر مطالبی ذکر شده و علاوه بر آن اهداف اصلی و فرعی تحقیق ذکر شده است، و بعد از آن خواننده با ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش و چگونگی انجام آن و محدودیت‌ها و مشکلاتی که فراروی انجام این پژوهش بوده است آشنا می‌گردد.

فصل دوم، شامل سه بخش مجزا است که در بخش اول، به بیان مسئله تشبیه و تنزیه پرداخته شده است، و در بخش دوم، اشاره ای به خدای متشخص در ادیان آسمانی شده تا خواننده با نگاه ادیان درباره خدای شخصی آشنا شده و شباهت ها و تفاوت های موجود را بازشناسد. در بخش سوم نیز درباره چیستی قرآن و عهدین سخن رفته است.

در فصل سوم، بنابر ترتیب یاد شده در عنوان اصلی پایان نامه، ذکر مفصلی از خدای متشخص در قرآن شده است. که در این فصل مباحث مهم و اصلی مطرح و مرتبط به خدای شخصی در اسلام آمده است. فصل سوم، شامل هفت بخش می باشد که به ترتیب عبارتند از: طرح مسئله اثبات خدا در اسلام، اقسام صفات الهی در اسلام، خدا در قرآن، وحی، دعا، معجزه و در آخر هم مسئله ارسال رسل مطرح شده است.

فصل چهارم، که با عنوان خدای متشخص در عهدین مطرح است دربرگیرنده دو بخش بزرگ یهودیت و مسیحیت می باشد که هر یک از بخش های نام برده شده دارای زیر مجموعه های مرتبط به خود هستند. مهم ترین عناوین یاد شده در زیر مجموعه یهودیت شامل: آموزه های دینی یهود، شکوفایی فرهنگ یهود، نام خدا در یهود، شخص خدا در یهود و... می شود. و در قسمت مسیحیت نیز زیر مجموعه هایی با عنوان: خدا در مسیحیت، گفتگو با خدا، صفات الهی در مسیحیت و... آمده است. که تمامی مطالب ذکر شده در پایان نامه حاضر با تطبیق بین سه دین الهی و به شیوه توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است.

در فصل پنجم که فصل نهایی این پژوهش می باشد، با توجه به نتایج به دست آمده در فصول قبلی رساله، به پرسش های مطرح شده در فصل آغازین پایان نامه پاسخ داده شده است.

فصل اول

کلیات



## ۱-۱- مقدمه

از آنجا که در انجام هر پژوهشی، قبل از انجام هر کاری ابتدا باید به صورت واضح و روشن یک طرح کلی از آن تحقیق را ارائه کرد و اجزای آن تحقیق را تا حد امکان آشکار ساخت؛ بنابراین در این فصل نیز در آغاز کار به بیان کلیات تحقیق پرداخته می شود. این کلیات که در این فصل به شرح آنها پرداخته خواهد شد عبارتند از: ارائه بیان مسئله، پرسش های تحقیق، اهداف و فرضیه های موجود در پژوهش، شیوه انجام تحقیق، اشاره به ابزار تحقیق، سابقه تحقیق و بالاخره محدودیت های موجود بر سر راه پژوهش است.

## ۲-۱- بیان مساله

«دین طبیعی یا الهیات طبیعی به دو معنی به کار می‌رود: یکی معنای اعم و دیگری معنای اخص. معنای اخص آن همان ارائه استدلال بر وجود خداوند از طریق طبیعت و براهین طبیعی و تجربی است که از جمله آنها می‌توان به برهان نظم و یا برهان حرکت اشاره کرد. معنای اعم آن ارائه استدلال بر وجود خداوند بر مبنای خصایص وجود است که برهان وجوب و امکان و براهین دیگری از این سنخ را شامل می‌شود.

هنگامی که از الهیات طبیعی یا دین طبیعی در مقابل الهیات وحیانی و یا دین ایمانی سخن گفته می‌شود. هم معنای اعم و هم معنای اخص آن مورد نظر است. این اصطلاح در قرن هجدهم با پیشرفت خدانشناسی طبیعی رایج شد. همان طور که می‌دانیم در دوره‌های اخیر در جهان اسلام کسانی پیدا شدند که راه شناخت خداوند را منحصرآ مطالعه طبیعت با روش حسی دانستند و از جمله آنها فرید وجدی، ابوالحسن ندوی و نویسندگان اخوان المسلمین هستند. در این دیدگاه، خداوند از طریق بحث و جدال و استدلال‌های مختلف تجربی و فلسفی اثبات می‌شود فیلسوفان هم چون ریاضی دانانی که به حل معمایی مشغولند به حل و پاسخگویی شبهه‌های وجود خداوند می‌پردازند. در حقیقت فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی با به میان آوردن فلسفه و استدلال، پرده ای بر ظهور اولیه و بسیط خداوند می‌کشند سپس سعی می‌کنند تا قدری از این احتجاب کم کنند و انسانها را با خداوند آشناتر سازند، کاری که عقل استدلالی می‌کند این است که مفهوم مرکبی از خدا در اختیار ما می‌گذارد. خداوند در نزد فیلسوفان همواره در ضمن مفاهیم مرکب تعریف می‌شود مانند واجب الوجود، ناظم جهان، خالق ممکنات، محرک اول؛ مثلا اگر ما به دلیل "امکان و وجوب" مراجعه کنیم تمام تلاش فیلسوفان آن است که خداوند را به منزله واجب الوجود به اثبات برسانند. در فلسفه فیلسوفان، مهم‌ترین رابطه و نسبتی که میان خدا و خلق برقرار می‌شود، رابطه علیت است. این رابطه در بن و اساس هر گونه ارتباط میان افراد با یکدیگر نیز هست اگر چه مورد غفلت یا انکار قرار می‌گیرد. از نظر فیلسوف خداوند علت و خالق این عالم است و ما معلول او هستیم. خلقت به اعتقاد آنان، بیان دیگری از علیت است.

واجب الوجود، یعنی بی نیاز از علت بودن و ممکن الوجود، یعنی نیازمند به علت بودن. این ها از مهم ترین اوصافی هستند که ابزار کار فیلسوفانند. همین وصف امکان است که ما را محتاج خداوند می کند و رابطه خالق و مخلوق را برقرار می سازد. وصف امکان نه تنها وصف ما انسانها است بلکه وصف همه موجودات جاندار و بی جان طبیعت است و همین وصف است که فیلسوفان ما را قادر می سازد تا بر وجود خداوند اقامه برهان نمایند و از تساوی عدم و وجود ممکنات نتیجه بگیرند که چون ممکنات موجودند لاجرم موجب و مرجحی در کار بوده است و سلسله این موجبات باید به واجب بالذاتی ختم شود و گر نه تسلسل محال لازم می آید. پیروان الهیات طبیعی می کوشند تا به مدد عقل همه موارد مطرح شده در دین را توجیه و تبیین عقلانی کنند. از نظر فیلسوف مسائلی چون وجود خدا، صفات او، عدل و معاد، تقدیر، مرگ، مشیت، ایمان، نبوت و ... معماهایی هستند که باید گشوده شوند و فیلسوف در این راه باید از تناقضها و تشبیهات به دور باشد. فلسفه تا بدان جا پیش می رود که عقل راهی برای تشکیک در آن نیابد.

خدای فیلسوف علت اولی است؛ موجود مقتدر و عظیمی که کنه ذات و غموض و رموزش عقل را دچار حیرت و سرگشتگی می کند. به یاد داریم که فیلسوفان اگزیستانسیالیست تفاوتی میان علم و دین قائل می شدند. مارتین بوبر یکی از متفکران مکتب یاد شده، این رابطه را به رابطه " من - آن " و " من - تو " تعبیر کرده است. رابطه من - آن رابطه شخص با شیء است که رابطه ای است برکنارانه و فارغ بال؛ نظیر همان است که انسانها با اشیاء و موجودات بی جان خود روبه رو هستند. رابطه من - تو رابطه شخص با شخصی دیگر است که در آن درگیر شدن همه جانبه و از جان و دل مایه گذاشتن مطرح است؛ ادراک بی واسطه و مستقیم است و پرداختن به دیگری هم چون غایت. به اعتقاد این گروه رابطه انسان با خداوند در الهیات طبیعی رابطه من - آن، است. از دیدگاه آنان زبان دین طبیعی زبان ناظر است و در احتجاجها و استدلال های آن هیچ گونه درگیر شدن شخصی وجود ندارد؛ بلکه فیلسوف همچون تماشاگری در کنار ایستاده و فارغ بالانه به تحلیلها و نظریه پردازی های فلسفی خویش مشغول است و هدف او قانع نمودن عقول و اذهان است. پیش از این هم گفته شد که دین الهی یا الهیات وحیانی در مقابل دین طبیعی یا الهیات طبیعی قرار دارد که همان دین اهل کتاب یعنی معتقدان به پیامبر آسمانی و الهی است. از دیدگاه این دین، ایمان مومنان هیچ گاه در برابر با یک استدلال یا احتجاج فلسفی نیست. علاوه بر آن

دلایل و احتجاج‌های فلسفی به ندرت شیوه‌ی وطریقتی بوده است که انسانها را به عقاید دینی شان رسانیده است. دلیل تراشی و عقلانی جلوه دادن بسیاری از چیزها موجب مکتوم ماندن حقیقت می‌شود و حق به جانب خود دادن یک گروه، یک طبقه یا یک ملت، خود فریبی او را به دنبال دارد. استدلالات و احتجاج‌های عقلانی درگیر شدن شخصی را به حداقل می‌رساند و هدف اصلی آن اقناع عقل است. از نظر الهیات و حیانی ایمان با درگیر شدن شخصی مومن مواجه است. "تیلیخ" گفته است دین به معنای اعم همواره با مسائل مربوط به دلبستگی واپسین روبه روست که این دلبستگی ویژگی‌هایی دارد:

۱- موجب به وجود آمدن تعهد، بیعت و سرسپردگی می‌شود. در این جا مساله مرگ و زندگی مطرح است و مساله بسیار جدی است و انسان زندگی اش را در گرو این امر می‌گذارد که یا این عهد را به پایان ببرد و یا در آن را جان ببازد.

۲- این دلبستگی واپسین یک ارزش والا ایجاد می‌کند که سایر ارزشها بر وفق و مطابق آن، سنجیده و تنظیم می‌شود و این نهایت راهی است که تمام توفیقه‌ها را باید در پای آن قربانی کرد و واپسین حلقه ای است که همه ارزشهای دیگر به آن وابسته اند.

۳- دلبستگی واپسین در دل خود یک دیدگاه شامل و جامع و جهت یافتگی زندگی را نهفته دارد زیرا به همه انسانها در تمامی هستی شان مربوط می‌شود بدین سان هم کانون جهان نگری و هم مرکز وحدت هویت و یکپارچگی منش انسان است. از نظر الهیات و حیانی، ایمان، القای یک اندیشه به شیوه ای که از معرفت برهانی کمتر باشد، نیست. مساله، مساله باور کردن است نه اثبات کردن و اعتماد کردن، ثبات قدم و وثوق داشتن همه از موارد آن است و با حرمت نهادن به یک شخص و نه یک گزاره یعنی وثوق شخصی و قلبی در یک رابطه قلبی همراه است» (حمزئیان، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۲).

### ۳-۱- هدف پژوهش

هدف اصلی از این پژوهش بررسی تطبیقی خدای متشخص در ادیان توحیدی (اسلام، یهودیت، مسیحیت) می‌باشد. و اهداف فرعی که این پژوهش در پی رسیدن به آن است، عبارتند از:

(۱) تبیین ویژگی‌های خدای متشخص در قرآن.